



بررسی بند الف ماده ۵ کنوانسیون حقوق زنان در سازمان ملل متحد

بر اساس آموزه‌های اسلامی

اعظم شاکری^۱، حکیمی صدر، موسی^۲

چکیده

یکی از اصلی‌ترین حقوق زنان، توجه و احترام به آنان نه تنها به جهت جنسیتشان بلکه به عنوان انسان‌هایی با کرامت و ارزش‌های والای انسانی است. این موضوع به این معناست که جامعه باید کرامت و شخصیت زنان را حفظ کند و آنان را از هرگونه خشونت و تجاوز محفوظ دارد، و محیطی امن و آرام را برای رشد روانی و ذهنی آن‌ها فراهم آورد. این اصول در ماده ۵ کنوانسیون بین‌المللی رفع تبعیض علیه زنان که در ۱۸ دسامبر ۱۹۷۹ به تصویب رسید، مطرح شده و بر تغییر الگوهای رفتاری و فرهنگی نسبت به زنان تأکید دارد. هدف از این تغییرات، ریشه‌کن کردن تعصبات و کلیشه‌های جنسیتی است که بر تفاوت‌های ناعادلانه میان مردان و زنان دامن می‌زند. این پژوهش به بررسی بند الف ماده ۵ کنوانسیون از منظر آموزه‌های اسلامی می‌پردازد و با روش توصیفی-تحلیلی نشان می‌دهد که این ماده دو جنبه مهم دارد: نخست حفظ کرامت زنان و دوم اصلاح روابط اجتماعی با آن‌ها، که هر دو موضوع در فقه و حقوق اسلامی به طور موکد مورد تأکید قرار گرفته‌اند.

واژگان کلیدی: کنوانسیون، حقوق زنان، تبعیض بین زنان و مردان، خشونت و تجاوز.

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد، دانشگاه حکیم سبزواری، azm.shakry۶@gmail.com

۲. دکترای تخصصی، استادیار و عضو هیئت علمی فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه حکیم سبزواری

m.zarghi@hsu.ac.ir

مقدمه

در بند نخست از ماده ۵ کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض از زنان آمده است: «دولت‌های عضو اقدامات مقتضی زیر را به عمل خواهند آورد: تغییر الگوهای رفتاری، اجتماعی و فرهنگی مردان و زنان به منظور دستیابی به برانداختن تعصبات، عادات و دیگر روش‌های عملی که بر طرز تفکر پست‌نگری یا برتر بینی یک جنس نسبت به جنس دیگر یا نقش کلیشه‌ای زنان و مردان مبتنی است.» بنابراین براساس این ماده می‌توان به دو مؤلفه زنان که توسط کنوانسیون مدنظر قرار گرفته شده است اشاره داشت. ۱- کرامت زنان و مؤلفه‌هایی که خود زن با رعایت آنها به حفظ کرامت خود کمک می‌کند ۲- وظایف دیگران در قبال زن که با انجام آن وظایف، کرامت زنان حفظ می‌شود.

همچنین اسلام در مورد مسئولیت‌های اجتماعی و فردی، هم درباره زنان و هم درباره مردان صحبت می‌کند، زیرا اعتقاد دارد زنان در سن ۹ سالگی توانایی بردوش کشیدن بار وظیفه و پذیرش مسئولیت را دارند. در حالیکه مردان این کار را در سن ۱۵ سالگی انجام می‌دهند. ارج گذاری بی‌مانند اسلام به مقام زن، باعث حضور جدی آنان در تمامی صحنه‌های اجتماعی از مسجد تا صحنه نبرد و کارزار شده است. در اندیشه اسلامی حضور فعال زنان در عرصه اجتماع همواره مورد تاکید بوده است، اسلام ضمن حفظ کرامت و ارزش زن به نقش بی‌بدیل وی در خانواده و جامعه باور دارد در این دین خانواده به عنوان مهمترین کانون رشد و شکوفایی استعداد های زنان معرفی شده است. با این حال اسلام محدودیتی برای حضور زنان در اجتماع قائل نیست و تا زمانی که به بنیان خانواده و آرامش جامعه آسیبی وارد نشود به مشارکت فعال زنان در عرصه های مختلف اجتماعی و سیاسی تاکید دارد. نگاه به سیره عملی بزرگان دین همچون حضرت زهرا (ع) حضرت زینب کبری (ع) و حضرت خدیجه (ع) نیز موید این ادعا است. این بانوان بزرگوار در مقاطع حساس تاریخی نقش آفرینی های برجسته ای داشته اند و با حضور فعال خود در صحنه های سیاسی و اجتماعی، الگوی کاملی برای زنان مسلمان به شمار می روند. در سطح بین المللی نیز کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان، حق رای دادن، حق شرکت در تعیین سیاست های کلان کشور و

حق فعالیت در سازمان های غیردولتی را از حقوق اساسی زنان دانسته است.

بیان مسئله

در روزگاری که ملل مختلف دنیا برای زن ارزشی قائل نبودند و او را پست می دانستند، اسلام با طلوع خود، به زن ارزش و اعتبار بخشید. خداوند در قرآن می فرماید: «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ؛ همانا گرامی ترین شما نزد خدا، باتقواترین شماست» (حجرات: ۱۳). در این آیه خداوند معیار برتری انسان ها را، زن و مرد بودن یا سیاه و سفید بودن یا... نمی داند، بلکه معیار برتری را تقوا می داند. همچنین اسلام هر دو جنس زن و مرد را شایسته رسیدن به مقامات عالیه می داند و در این میان تفاوتی بین زن و مرد قائل نیست. خداوند می فرماید: «وَمَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَٰئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ وَلَا يُظْلَمُونَ نَقِيرًا؛ کسی که چیزی از اعمال صالح انجام دهد، خواه مرد باشد یا زن، اگر ایمان داشته باشد، داخل بهشت می شود و کمترین ستمی به او نخواهد شد» (نساء: ۱۲۴). کرامت به معنای بزرگواری و دوری از پستی و فرومایگی است و منظور از حفظ کرامت زن، حفظ ارزش و منزلت اوست. از آنجایی که مکاتب مختلف، اسلام را متهم به بی توجهی به زن می کنند و معتقدند در اسلام به زن به عنوان موجودی پست نگریسته شده است، در صدد هستیم با واکاوی مؤلفه های حفظ کرامت زنان در اسلام، نشان دهیم در اسلام زن و مرد ارزش یکسانی دارند و هر دو شایسته کرامت هستند و تنها عامل برتری آنها تقواست. درباره حفظ کرامت زنان، پژوهش هایی انجام شده؛ مثل مقاله «حرمت و کرامت زن در خانواده از نگاه امام رضا (علیه السلام)» از علی جلائیان اکبرنیا و محمدرضا محمدی که از نظر آنها، تشکیل خانواده، داشتن حق مهریه، تأمین مخارج اقتصادی زن توسط مرد، لزوم توجه شوهر به حفظ آراستگی و ایجاد رابطه عاطفی مؤثر با همسر و تأمین نیازهای جنسی او از مؤلفه های حفظ کرامت زن در خانواده است. و نیز مقاله «سبک زندگی اسلامی و مؤلفه های کرامت زنان» از الهام صالحی که در آن، لزوم مشورت با زنان، لزوم نیکوهمسرداری و خوب مادری کردن و حفظ عفت توسط زن، برخورداری زن از مقام هدایت الهی و وظیفه تولید نسل از مؤلفه های حفظ کرامت زنان بر





شمرده شده است. این نوشتار در صدد است با روش توصیفی-تحلیلی، به این سؤال پاسخ دهد که مؤلفه های حفظ کرامت زنان با توجه به بند الف ماده ۵ کنوانسیون حقوق زنان در سازمان ملل متحد در سبک زندگی اسلامی چیست؟

مبانی حقوقی کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان

این کنوانسیون دارای بندهای مختلفی است، موارد حاکم بر این کنوانسیون، برابری زن و مرد در همه جهات است و تشابه از هر نظر بدون استثناء و محدودیت بر اساس جنسیت است. در اواخر دهه در اواخر دهه ۱۹۶۰ جامعه جهانی با درک اهمیت برابری جنسیتی گام مهمی در جهت ارتقای جایگاه زنان برداشت. تصویب قطعنامه ای در کنفرانس جهانی حقوق بشر در تهران نقطه عطفی در این مسیر بود این قطعنامه بر لزوم تغییر نگرشها آداب و رسوم و قوانین سنتی تأکید داشت تا زنان بتوانند به حقوق برابر دست یابند. در سال ۱۹۷۹ این قطعنامه به شکل رسمی تری به کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان تبدیل شد. این کنوانسیون با تأکید بر برابری کامل زنان و مردان در همه عرصه های زندگی از جمله ورزش آموزش اقتصاد و اجتماع به یک سند بین المللی مهم تبدیل شد. با گذشت زمان تلاشها برای جهانی سازی این کنوانسیون شدت گرفت و در سال ۱۹۹۵ کنفرانس پکن به عنوان نقطه عطفی در این مسیر شناخته می شود. در این کنفرانس سند نهایی تأکید کرد که حقوق زنان جزئی جدایی ناپذیر از حقوق بشر است. با این حال برخی از گروه ها تلاش کردند تا مفاهیمی مانند حقوق جنسی و گرایش جنسی را به عنوان بخشی از حقوق زنان مطرح کنند و به این ترتیب به دنبال مشروعیت بخشی به موضوعاتی مانند همجنس گرایی بودند. مادالین آلبرایت وزیر خارجه سابق آمریکا در این کنفرانس به صراحت اعلام کرد که اهداف کنفرانس جهانی زنان در راستای تحقق سیاستهای دولت آمریکا تنظیم شده است. این اظهار نظر پرسشهایی را در مورد ماهیت و جهت گیری واقعی این کنفرانس ایجاد کرد. (مهرپور، ۱۳۷۴)

این بیان را با بخشی از سخنان رهبر معظم انقلاب اسلامی، امام قدس سره که راز موفقیت ایشان نترسیدن از قدرتهای خارجی بود، مقایسه می کنیم. وی می گوید: «اساساً هر

سازمانی که این ابرقدرت‌های بزرگ در آن دست دارند، سازمانی است که باید به نفع آنها تمام شود، این سازمان ملل، این جلساتی که در خارج از کشور برگزار می‌شود، شورای امنیت، همه اینها در خدمت ابرقدرت‌ها است و برای بازی دادن دیگر کشورها، «(موسوی خمینی، ۱۳۵۸) پس از اعلام تصویب سند در شهریور ۱۳۷۴ بسیاری از کشورها و نهادهای و شخصیت‌های اسلامی با صدور بیانیه‌هایی مفادسندپکن را زیرسؤال برده و آن را خلاف اصول و مسلمات ادیان آسمانی و فطرت پاک انسانی دانستند.

مبانی فقهی و حقوقی تساوی حقوق زن و مرد در اسلام

در اسلام تساوی ارزشی بین زن و مرد، یک اصل اساسی است و جزء اصول مسلم دینی به حساب می‌آید و راه ترقی برای زن و مرد یکسان است، دراین مورد می‌توان به آیات ذیل استناد نمود:

"ان اکرمکم عندالله اتقیکم" (سوره حجرات: ۱۳)

ترجمه آیه: همانا گرامی‌ترین شما نزد خدا پرهیزکارترین شماست.

«فَاسْتَجَابَ لَهُمْ رَبُّهُمْ أَنِّي لَا أُضِيعُ عَمَلَ عَامِلٍ مِّنْكُمْ مِّمَّنْ ذَكَرْتُ وَأَنْتِي بَعْضُكُم مِّنْ بَعْضٍ فَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَأُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَأُودُوا فِي سَبِيلِي وَقَاتَلُوا وَقُتِلُوا لَأُكَفِّرَنَّ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَلَأُدْخِلَنَّهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ثَوَابًا مِّمَّنْ عِنْدِ اللَّهِ وَاللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الثَّوَابِ» (۴۱سوره آل عمران: ۱۹۵)

پس خدا دعا‌های ایشان را اجابت کرد که البته من (که پروردگارم) عمل هیچ کس از مرد و زن را بی‌مزد نگذارم، زیرا شما از یکدیگرید (و همه در نظر من یکسانید)، پس آنان که از وطن خود هجرت نمودند و از دیار خویش بیرون رانده شدند و در راه من رنج کشیدند و جهاد کرده و کشته شدند همانا بدی‌های آنان را بپوشانم و آنها را به بهشت‌هایی درآورم که زیر درختانش نهرها جاری است. این پاداشی است از جانب خدا، و نزد خدا است پاداش نیکو.

آیات قرآن بر برابری بنیادین انسانها چه زن و چه مرد، تاکید دارند با این حال، تفاوت‌های طبیعی و جسمی میان زن و مرد امری بدیهی و انکارناپذیر است. این تفاوتها تقسیم کار و



مسئولیتهای متفاوت را در جامعه ایجاب می‌کند. تبعیض جنسیتی زمانی رخ می‌دهد که به جای توجه به تواناییها و استعدادهای فردی به دلیل جنسیت به یکی بردیگری برتری داده شود. نادیده گرفتن تفاوت‌های طبیعی و تواناییهای فردی ریشه اصلی تبعیض است. زن و مرد همچون دو قطعه از یک پازل مکمل یکدیگرند و با تکمیل یکدیگر به کمال انسانی دست می‌یابند. شهید مطهری با تاکید بر این نکته که زن و مرد هر دو انسان هستند و از حقوق مساوی برخوردارند به تفاوت‌های طبیعی و نقش‌های متفاوت آنها در جامعه نیز اشاره می‌کند. امروزه در جوامع غربی تلاش بر آن است تا با نادیده گرفتن تفاوت‌های ذاتی میان زن و مرد به یکسان سازی قوانین مقررات و نقش‌های اجتماعی آنها دست یابند. این در حالی است که در ایران مباحث پیرامون جایگاه زن و مرد بر محور تفاوت‌های دیدگاه‌های اسلامی و غربی می‌چرخد. در این میان اصطلاح (برابری) حقوق اغلب به جای (برابری فرصتها) به کار می‌رود و برای توجیه یکسان سازی نقش‌های اجتماعی زن و مرد به کار گرفته می‌شود. در واقع طرفداران دیدگاه غربی به دنبال ایجاد تشابه در نقش‌های اجتماعی هستند، در حالی که طرفداران دیدگاه اسلامی بر تفاوت‌های طبیعی و اجتماعی زن و مرد تاکید دارند و معتقدند که برابری به معنای یکسان سازی نیست. شهید مطهری با دقت به این تفاوت‌ها اشاره میکند و نشان می‌دهد که چگونه اصطلاح برابری حقوق "گاهی به عنوان ابزاری برای توجیه دیدگاه‌های غربی به کار می‌رود. (مطهری، ۱۳۸۱).

شهید مطهری با نگاهی ژرف به تحولات اجتماعی زمان خود، به نکته ای مهم اشاره میکند که امروزه نیز از اهمیت ویژه ای برخوردار است وی معتقد بود که بسیاری از برنامه ها و طرح های مدعی برابری زن و مرد در واقع به دنبال ایجاد یکسان سازی کاذب و تشابه صرف میان دو جنس هستند این در حالی است که اسلام، ضمن تاکید بر برابری ذاتی انسانها به تفاوت‌های طبیعی و مکمل بودن زن و مرد نیز توجه دارد. به عبارت دیگر، اسلام به دنبال ایجاد تعادل و هماهنگی میان زن و مرد است و نه یکسان سازی صرف.

خداوند در قرآن درباره آفرینش این دو، این چنین می‌فرماید:

«وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ



فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ» (سوره روم: ۲۱)

و یکی از نشانه‌های لطف الهی این است که برای شما از جنس خودتان، جفتی (و همسری) بیافرید که در براو آرامش یابید و با هم انس گیرید و میان شما، مهربانی و قرار ساخت. به یقین، در این [نعمت] برای مردمی که می‌اندیشند، نشانه‌هایی است. آفرینش همسری یکی از نشانه‌های حکمت بیکران الهی است که در قرآن کریم به آن اشاره شده است. خداوند متعال با آفرینش همسر بستری برای آرامش و آرامش بخشی انسانها فراهم آورده و میان آنها الفت و محبت را برقرار ساخته است. این حقیقت نشانه‌های روشن برای اندیشمندان و جویندگان حقیقت است. به تعبیر راغب اصفهانی، «زوج» به معنای هر یک از دو جنس مذکر و مؤنث است که در کنار هم پیوندی الهی و طبیعی را تشکیل می‌دهند.

مؤلفه‌های حفظ کرامت زن در اسلام با توجه به ماده ۵ کنوانسیون

در اسلام، از یک منظر مؤلفه‌های حفظ کرامت زن شامل این دو مورد است:

۱. مؤلفه‌هایی که خود زن با رعایت آنها به حفظ کرامت خود کمک می‌کند
۲. مؤلفه‌هایی که دیگران با موظف بودن به رعایت آنها، به حفظ کرامت زن کمک می‌کنند؛ یعنی شامل وظایف دیگران در قبال زن است که با انجام آن وظایف، کرامت زنان حفظ می‌شود.

۱- مؤلفه‌های حفظ کرامت زن (توسط خود او)

الف: حفظ کرامت زن در مقام همسری

ب: حفظ کرامت در اجتماع با رعایت عفت

پ: حفظ کرامت زن در مقام مادر

ت: حفظ کرامت در مقام دختر بودن

۲- مؤلفه‌های حفظ کرامت زن (توسط دیگران)

الف. مؤلفه‌های حفظ کرامت زن توسط شوهر

- حفظ آراستگی

- محبت به زن

- تأمین نفقه

ب) حفظ کرامت زن در مقام مادر

مسئله تکریم مادر به قدری درخور توجه قرار گرفته است که رسول خدا در پاسخ به فردی که گفت به چه کسی نیکی کنم سه بار فرمود به مادرت و بعد از سه بار فرمود به پدرت: «جَاءَ رَجُلٌ إِلَى النَّبِيِّ ص فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ مَنْ أَبْرُ قَالَ أُمُّكَ قَالَ ثُمَّ مَنْ قَالَ ثُمَّ مَنْ قَالَ أَبَاكَ»؛ مردی نزد پیامبر آمد و گفت: ای رسول خدا، به چه کسی نیکی کنم؟ فرمود: به مادرت. مرد گفت بعد از آن به چه کسی؟ باز هم حضرت فرمود مادرت و باز همین را پرسید و پیامبر فرمود به مادرت و بعد از سه بار گفت پدرت» (کوفی اهوازی، ۱۴۰۲).

مادر با مراقبت از فرزندان و باری آنها از کودکی تا بزرگسالی و گاهی تا لحظه مرگ خود، حق بزرگی برگردن فرزندان دارد و لازم است فرزندان حقوق او را پاس دارند. فرزندان وظیفه دارند به مادر نیکی و احسان کنند؛ چنان که خداوند از زبان حضرت عیسی علیه السلام می فرماید: (وَبَرًّا بِوَالِدَتِي)؛ و خدا مرا در قبال مادرم مهربان قرار داده است (مریم، ۳۲).

از مصادیق احسان به مادر، رعایت ادب و احترام مادر است تا جایی که خدا می فرماید: (فَلَا تَقْلُ لِهَمَّا أَفٍ)؛ به آنها کوچک ترین اهانتی نکن» (اسراء: ۲۳). مصداق دیگر، نگاه محبت آمیز به اوست: «النَّظَرُ إِلَى الْوَالِدَيْنِ بِرَأْفَةٍ وَرَحْمَةٍ عِبَادَةٌ وَ النَّظَرُ إِلَى الْأَخِ بِوُدِّهِ [يُودُهُ] فِي اللَّهِ عِبَادَةٌ»؛ نظرافت و رحمت به پدر و مادر عبادت است» (ابن فهد حلی، ۱۴۰۷). احسان به والدین، محدود به زنده بودن آنها نیست؛ بلکه باید بعد از عمرشان نیز با فرستادن خیرات و یادکردنشان، به آنها نیکی کرد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «مَنْ زَارَ قَبْرَ وَالِدَيْهِ أَوْ أَحَدِهِمَا فِي كُلِّ جُمُعَةٍ فَقَرَأَ عِنْدَهُمَا بِسْمِ اللَّهِ غُفِرَ اللَّهُ لَهُ بِعَدَدِ كُلِّ حَرْفٍ مِنْهَا»؛ هر کس قبر والدین خود یا یکی از آنها را در هر جمعه زیارت کند و نزد آن دو، سوره یاسین را بخواند، خداوند گناهان او را به تعداد حروف آن می بخشد» (مجلسی، ۱۴۰۳)؛ بنابراین، فرزندان با خدمت به مادر چه در زمان حیات و چه بعد از آن، موجب خشنودی او می شوند و بر کرامت او می افزایند.

پ. حفظ کرامت دختر

در دورانی که اعراب جاهلی، دختران خود را زنده به گور می‌کردند، اسلام برای آنان ارزش والایی قائل بود؛ به گونه‌ای که امام علی علیه السلام می‌فرماید: «كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِذَا بُشِّرَ بِجَارِيَةٍ قَالَتْ رِيحَانَةٌ وَرِزْقُهَا عَلَى اللَّهِ»؛ رسول خدا صلی الله علیه و آله زمانی که به دختر بشارت داده می‌شدند می‌فرمودند دختر گلی خوشبوست و رزق آن بر عهده خداست» (ابن اشعث، بی‌تا).

اسلام با طلوع خود، به شخصیت دختران ارزش بخشید. در تعالیم اسلام وظایف متعددی برای حفظ کرامت دختران بر عهده والدین نهاده شده است. والدین وظیفه دارند به مسائل عاطفی دختران توجه کافی داشته باشند. به کارگیری تعبیر «یا بنتی» توسط پیغمبر در خطاب به حضرت زهرا علیها السلام در هنگام سخن گفتن با ایشان: «یا بنتی اما المعلقة بشعرها فانها كانت» (عروسی حویزی، ۱۴۱۵)، حامل پیام مهربانی و احترام آن حضرت به حضرت فاطمه علیها السلام است. همچنین تأکید ایشان بر لزوم اعطای هدیه به دختران قبل از پسران: «مَنْ دَخَلَ السُّوقَ فَاشْتَرَى ثُخْفَةً فَحَمَلَهَا إِلَى عِيَالِهِ كَانَ كَحَامِلٍ صَدَقَةٍ إِلَى قَوْمٍ مَخَاوِجٍ وَلَيْبِدًا بِالْإِنَاثِ قَبْلَ الذُّكُورِ»؛ هر کس وارد بازار شود و تحفه‌ای (هدیه‌ای) بخرد و آن را برای افراد تحت کفالتش ببرد، او به سان کسی است که صدقه‌ای برای مردمی نیازمند ببرد و باید به دختران پیش از پسران هدیه دهد» (امالی صدوق، ۱۳۷۶) نشانگر توجه ایشان به بُعد عاطفی دختران و لزوم پرورش آن است.

از دیگر نمونه‌های تکریم دختران در اسلام، شرط اجازه پدر در امر ازدواج دختران است. «به دلیل این ویژگی دختران که تشنه محبت‌اند و تا زمانی که ازدواج نکرده‌اند زمزمه محبت مردان را باور می‌کنند و مردان از این حس خوش‌باوری دختران استفاده می‌کنند» (مطهری، ۱۳۷۷)، اسلام ازدواج آنها را منوط به اجازه پدر کرده است تا پدران که تجربه بیشتری دارند و جنس مردان را بهتر می‌شناسند، دختران را در امر ازدواج یاری کنند. غیرت‌ورزی بر دختران، از دیگر وظایف پدران است. پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «كَانَ أَبِي إِبْرَاهِيمُ غَيُورًا وَأَنَا أَغْيُرُ مَتَّهُ»؛ پدرم ابراهیم خلیل بسیار غیرتمند بود و من از وی غیرتمندترم» (ابن بابویه، ۱۴۱۳).

بنا بر آنچه گفته شد، والدین با پرورش عاطفی فرزندان، تربیت دینی آنها، مشاوره به

فرزندان، یاری کردن آنها در امر ازدواج و... نقش مهمی در حفظ کرامت دختران دارند و کوتاهی آنها در حق فرزندان، عامل گرایش آنان به گناهان و دور شدن ایشان از کرامت و شرافت است.

ت. حفظ کرامت زن در اجتماع

مهم ترین نیاز زنان هنگام حضور در جامعه، امنیت و آزادی است. اسلام برای تأمین این خواسته زنان، ضمن آنکه زنان را مقید به رعایت حفظ عفاف کرده است، با دستورات خود مردان را نیز ملزم به حفظ عفت و پاک دامنی کرده است و در موارد متعدد، آنان را از نگاه آلوده به زنان بر حذر داشته است. امام علی علیه السلام در نکوهش مردان چشم چران می فرماید: «لعن الله التَّاطُر»؛ خداوند لعنت کند چشم چران را «(قضاعی، ۱۳۶۱) و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید: «التَّطَرُّسُ سَهْمٌ مَسْمُومٌ مِنْ سَهَامِ ابْلِيسَ»؛ نگاه حرام تیری زهرآلود از تیرهای ابلیس است «(همان، ۱۲۳)». کنترل نگاه ضمن تأمین نیاز زنان به امنیت، عامل عفاف آنان است؛ زیرا گاهی مردان با نگاه های آلوده خود، موجب انحراف زنان می شوند؛ در حالی که اگر نگاه خود را کنترل می کردند، زنان دچار لغزش نمی شدند و از حفظ عفاف و کرامت خود دور نمی شدند؛ بنابراین مردان باید با توجه به عقاب نگاه کردن و آثار مخرب آن، از لغزش خود و دیگران جلوگیری کنند.

ث. تکریم زنان بی سرپرست

زنان بی سرپرست قشری از جامعه اند که با مشکلات فراوان مواجه هستند و در تعابیر دینی تأکیدات فراوانی بر حمایت از آنها وجود دارد. از آنجایی که تأمین اقتصادی خانواده بر عهده مردان است، مسلم است نبود مرد اگر با آینده نگری های مالی همراه نباشد، زنان را با چالش هایی مواجه می کند. اسلام افراد جامعه را در برابر این مسئله مسئول دانسته است. امام علی علیه السلام درباره لزوم رسیدگی به زنان بی سرپرست می فرماید: «ارْحَمُوا الْأَرْمَلَةَ وَ الْيَتِيمَ»؛ به زنان بی سرپرست و یتیم رحم کنید «(ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴)».

بی توجهی مردم به این مسئله از گناهانی است که جزای آن در همین دنیا دامن انسانها را می گیرد. امام علی علیه السلام می فرماید: «الدُّنُوبُ الَّتِي تَحْتَسِبُ عَيْتَ السَّمَاءِ... ظَلَمُ الْيَتِيمِ وَ

الْأَزْمَلَّةُ؛ از گناهانی که مانع نزول باران می‌شود، ظلم به یتیم و بیوه زنان است (ابن بابویه، ۱۴۰۳).

رسیدگی به مشکلات مالی آنها در رأس خدمت به آنها قرار دارد. امام سجاد علیه السلام می‌فرماید: «أَتَرْجُو أَنْ يُعْطِيَكَ اللَّهُ أَجْرَ الْمُتَوَاضِعِينَ وَأَنْتَ عِنْدَهُ مِنَ الْمُتَكَبِّرِينَ وَتَطْمَعُ وَأَنْتَ مُتَمَرِّغٌ فِي النَّعِيمِ [أَنْ تَمْنَعَهُ] تَمْنَعُهُ الضَّعِيفُ وَالْأَزْمَلَةُ؛ آیا امیدواری که خدا پاداش فروتنان (که به دنیا و کالای آن دل نبسته و به دستور او رفتار می‌کنند) را به تو بدهد و حال آنکه تو نزد او از گردن کشانی (که دل به دنیا بسته و خلاف دستور او را انجام می‌دهند) و آیا آزمندی که پاداش صدقه دهندگان (که از بینوایان دست‌گیری می‌کنند، بدون بزرگی و خودنمایی) را برای تو واجب و لازم گردانند؛ در حالی که تو در عیش و خوش گذرانی غلتیده‌ای و ناتوان و بیچاره و بیوه زن و درویش را از آن بهره نمی‌دهی» (نهج البلاغه، نامه ۲۰).

غم و اندوه ناشی از فقدان همسر از دیگر مسائل زنان بی سرپرست است و بر زنان دیگر لازم است با دلداری و تسلی آنها، در کاهش مشکلات روحی شان بکوشند. ابراهیم علیه السلام از خدایش پرسید: «فَمَا جَزَاءُ مَنْ سَدَّدَ الْأَزْمَلَةَ ائْتِغَاءً وَجْهَكَ قَالَ أُفِيئُهُ فِي ظِلِّي وَأَدْخُلُهُ جَنَّتِي؛ پاداش کسی که بیوه زنان و درماندگان را برای رضای تو تسلیت و دلداری کند چیست؟ خطاب شد: او را در سایه خود جای می‌دهم و او را داخل بهشت می‌کنم» (شهید ثانی، بی تا) امام علی علیه السلام الگوی عملی کمک به زنان بی سرپرست است؛ چنان که روایت کرده‌اند: «نَظَرَ عَلِيٌّ إِلَى امْرَأَةٍ عَلَى كَتِفِهَا قِرْبَةً مَاءٍ فَأَخَذَ مِنْهَا الْقِرْبَةَ فَحَمَلَهَا إِلَى مَوْضِعِهَا وَ...؛ امام علی علیه السلام زنی را دید که مشک آبی بر دوش خود می‌برد. آن مشک را از وی گرفت و آن را برد و...» (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹). در صورت بی توجهی به زنان بی سرپرست ممکن است به دلیل شرایط سخت زندگی به اعمال ناشایست گرایش یابند و از مقام والای انسانیت دور شوند و این به دلیل آن است که جامعه، خود را در برابر آنها مسئول نمی‌داند؛ در حالی که رسیدگی به حال زنان بی سرپرست وظیفه آن هاست؛ بنابراین دیگران باید با یاری آنان در حفظ کرامت انسانی شان بکوشند.



روابط اجتماعی زن در اسلام با توجه به ماده ۵ کنوانسیون حقوق

در اسلام حضور فعال زنان در عرصه های مختلف اجتماعی مشروط به رعایت حدود و ضوابطی است که دین مبین اسلام تعیین کرده است. ماده ۵ کنوانسیون حقوق زنان نیز بر اهمیت مشارکت زنان در جامعه تأکید دارد. با این حال بین رویکرد اسلام و این کنوانسیون تفاوت های اساسی وجود دارد. اسلام با نگاهی جامع و فراگیر به موضوع مشارکت زنان میپردازد و حدود و ثوابت این مشارکت را مشخص می کند. در حالی که کنوانسیون حقوق زنان بیشتر بر برابری حقوقی زن و مرد تأکید دارد و کمتر به تفاوت های طبیعی و اجتماعی دو جنس توجه می کند.

در قرآن کریم و در بیان هجرت پیامبر اسلام (ص) می فرماید: «...گفتند ما در سرزمین خود، تحت فشار و مستضعف بودیم، آن ها [فرشتگان] گفتند مگر سرزمین خدا، پهناور نبود که مهاجرت کنید...». (نساء / ۹۷). خداوند متعال در انتهای آیه بیان می کند که زنان نیز مانند مردان موظف به ترک سرزمین کفر و هجرت به سوی سرزمین ایمان هستند این حکم الهی بر برابری زن و مرد در انجام وظایف دینی و سیاسی تأکید دارد. در واقع اسلام برای زنان و مردان فرصت های برابر برای مشارکت در ساختن جامعه اسلامی فراهم کرده است. هجرت پیامبر ﷺ و همراهی زنان مؤمن با ایشان بهترین شاهد بر این مدعاست. (گزیده کافی ترجمه بهبودی) با توجه به عمومیت بیشتر خطاب های قرآن، می توان آیه ی شریفه ی زیر توجه کرد که در مورد هجرت مسلمانان (زن و مرد) به مدینه و انعقاد عقد اخوت است، به عنوان شاهد دیگری بر این ادعا بدانیم؛ « و کسانی که ایمان آوردند و (به مدینه) هجرت نمودند و در راه خدا با اموال و جان های خود جهاد کردند، و کسانی (از اهل مدینه) که (مهاجران را) جا و پناه دادند و یاری نمودند، آنها هستند که اولیاء یکدیگرند (پیوند دوستی، یاری و ارشی دارند). و کسانی که ایمان آوردند و هجرت نکردند شما هیچ گونه پیوندی با آنان ندارید تا مهاجرت نمایند و اگر درباره امور دینی از شما یاری طلبند بر شماست که یاری نمایید، وظیفه دارید آنان را یاری کنید مگر آن که به ضرر گروهی باشد که میان شما و آنان پیمان (ترک مخاصمه) برقرار است و خداوند به آنچه انجام می دهید بیناست». (الانفال / ۷۲).

آیه شریفه هجرت به مهاجرانی اشاره می‌کند که پیش از نزول این آیه از سرزمین کفر به سوی سرزمین ایمان هجرت کرده‌اند خداوند متعال میان این گروه و کسانی که بعدها به دین اسلام گرویدند و مهاجرت کردند، ولایت و برادری برقرار کرده است. (المیزان، جلد ۴) نکته قابل توجه آن است که این آیه، هیچ تفاوتی میان زنان و مردان مهاجر قائل نشده و بر لزوم هجرت و مشارکت همه مؤمنان در ساختن جامعه اسلامی تاکید کرده است. اگر خداوند میخواست هجرت زنان را محدود کند، قطعاً در قرآن به آن اشاره می‌کرد، اما نه تنها چنین محدودیتی وجود ندارد، بلکه قوانینی نیز برای حمایت از زنان مهاجر وضع شده است.

لزوم خلوص نیت در مهاجرت مورد تاکید قرار گرفته است. مهاجران واقعی کسانی هستند که با انگیزه تقرب به خداوند و ترک معاصی، وطن و دارایی خود را رها کرده‌اند. هجرت، صرفاً یک جا به جایی مکانی نیست، بلکه یک تحول روحی و معنوی است. مهاجر حقیقی، کسی است که دل از دنیا بریده و به سوی آخرت رو کرده است. انگیزه‌های دنیوی همچون فرار از مشکلات خانوادگی یا میل به سفر، نمی‌تواند جایگزین این و تقوا در این مسیر باشد. پس خداوند می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، زنان با ایمان مهاجر، نزد شما آیند، آنان را بیازمایید. خدا به ایمان آنان داناتراست. پس اگر آن‌ها را با ایمان تشخیص دادید، دیگر ایشان را به سوی کافران بازنگردانید. نه آن زنان برایشان حلالند و نه آن مردان براین زنان حلال. و هرچه خرج این زنان کرده‌اند به شوهران آن‌ها بدهید و بر شما گناهی نیست که در صورتی که مهرشان را به آن‌ها بدهید با ایشان ازدواج کنید و به پیوند قبلی کافران متمسک نشوید و پایبند نباشید و آنچه را شما برای زنان مرتد و فراری خود که به کفار پناهنده شده‌اند خرج کرده‌اید، از کافران مطالبه کنید، و آن‌ها هم باید آنچه را خرج کرده‌اند، از شما مطالبه کنند. این حکم خداست که میان شما داوری می‌کند و خدای دانا حکیم است.» (الممتحنه / ۱۰). علی بن ابراهیم قمی در تفسیر خود به نکته ظریفی درباره ایمان زنان مهاجر اشاره می‌کند او می‌گوید که برخی از این زنان با سوگند یاد می‌کردند که انگیزه اصلی آنها برای ترک کفر و پیوستن به جامعه اسلامی صرفاً ایمان به خدا و اسلام بوده و نه عوامل دیگری مانند کینه از شوهران کافر یا علاقه به مردان مسلمان. این تاکید بر خلوص



نیت در ایمان نشان از اهمیت انگیزه های درونی در پذیرش دین دارد و بیانگر آن است که ایمان واقعی ریشه در قلب و باورهای فردی دارد. (تفسیر قمی، ج ۲) اهمیت هجرت زنان مسلمان از این جهت است که شرط ازدواج زنان با پیامبر ﷺ هجرت آنان به سرزمین حکومت اسلامی است. وقتی می فرماید: «ای پیامبر زنانی را که مهریه آنها را دادی و کنیزانی را که خداوند از غنائم به تو داده و دختران عمویت و دختران عمه هایت و دختران دایی تو و دختران خاله هایت که با تو مهاجرت کرده اند و زن مؤمنی که اگر پیامبر بخواهد با او ازدواج کند خود را به پیامبر ببخشد. ازدواج برای شماست نه سایر مومنان، ما بهتر می دانیم که در مورد زنان و کنیزانشان چه حکمی مقرر کرده ایم تا برای مشکلی پیش نیاید و خدا همواره آمرزنده مهربان است». (الاحزاب/ ۵۰). هرچند این حکم بعداً نسخ شد، اما در ابتداء ازدواج پیامبر ﷺ با زنان غیر مهاجر حرام بود و از آن منع می شد. (مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ترجمه گروه مترجمان، ۱۳۶۰).

۱. حضور حضرت زهرا (ع) در هجرت و ایراد خطبه های سیاسی

در روایات تاریخی و تفاسیر قرآنی آمده است که پس از هجرت پیامبر اکرم ﷺ به مدینه کاروانی کوچک به رهبری حضرت علی (ع) برای پیوستن به ایشان راهی مدینه شد. در این کاروان بانوان بزرگواری همچون حضرت فاطمه زهرا (ع) فاطمه بنت اسد، مادر حضرت علی (ع) و فاطمه دختر حمزه سیدالشهدا (ع) حضور داشتند. در مسیر این سفر کاروان در محلی به نام ضنجان مورد حمله مشرکان قرار گرفت اما با رشادت حضرت علی (ع) و یارانش، مشرکان شکست خوردند و مجبور به عقب نشینی شدند. پس از این پیروزی کاروان در آن مکان توقف کرد و به عبادت و نیایش پرداختند. در همین شب آیه ای از قرآن نازل شد که بر اهمیت این رویداد تاریخی و فضیلت همراهان پیامبر ﷺ تاکید میکند. (بحار الانوار، ج ۱۹، الامالی، ۱۴۱۴) «همانان که خدا را [در همه احوال] ایستاده و نشسته و به پهلوی آرמידه یاد می کنند و در آفرینش آسمانها و زمین می اندیشند [که] پروردگارا این ها را بیهوده نیافریده ای منزهی تو پس ما را از عذاب آتش دوزخ در امان بدار». (آل عمران / ۱۹۱). «پس، پروردگارشان

دعای آنان را اجابت کرد [و فرمود که] من عمل هیچ صاحب عملی از شما را، از مرد یا زن که همه از یکدیگرید، تباه نمی‌کنم پس کسانی که هجرت کرده و از خانه‌های خود رانده شده و در راه من آزار دیده و جنگیده و کشته شده‌اند بدی‌هایشان را از آنان می‌زدایم و آنان را در باغ‌هایی که از زیر [درختان] آن نهرها روان است در می‌آورم [این] پاداشی است از جانب خدا و پاداش نیکو نزد خداست». (آل عمران/۱۹۵). یکی از برجسته‌ترین حوادث زندگی سیاسی حضرت زهرا علیها السلام تلاش بی‌وقفه ایشان برای دفاع از حق ولایت و افشای چهره منافقان بود. خطبه تاریخی ایشان در مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله نمونه‌های بارز از شجاعت و بصیرت این بانوی بزرگوار و همچنین مجوزی روشن برای مشارکت فعال زنان مسلمان در عرصه سیاست است. عبدالله ابن حسن درباره حکایت تاریخی بیان می‌کند که حضرت زهرا علیها السلام پس از غصب فدک توسط ابوبکر با چهره‌ای مصمم و پوششی که یادآور پیامبر صلی الله علیه و آله بود، به مسجد آمد و با ایراد خطبه‌ای، آتشین بر حقانیت خود و اهل بیت عصمت و طهارت تاکید کرد. (البرهان، ۱۴۱۶؛ النور الثقلین، ۱۴۱۵) خطبه تاریخی فدکیه فراتر از یک مطالبه شخصی برای بازپس‌گیری فدک منشوری جامع برای شیعیان است. حضرت زهرا علیها السلام در این خطبه ضمن افشای ظلم و جور حاکمان وقت به مباحث بنیادین، توحید، نبوت، امامت و عدالت پرداخته‌اند. ایشان با این خطبه نه تنها حقانیت خود و اهل بیت علیهم السلام را به اثبات رساندند، بلکه نقشه راهی روشن برای شیعیان ترسیم نمودند. محوریت این خطبه بر مبانی اعتقادی و سیاسی نشان می‌دهد که هدف حضرت زهرا علیها السلام، صرفاً دفاع از حقوق مادی نبوده، بلکه احیای ارزشهای اسلامی و دفاع از حقانیت ولایت بوده است.

۲. شرکت زنان در بیعت‌ها

بیعت در اسلام ریشه در آموزه‌های قرآنی دارد و یکی از ارکان اساسی حکومت اسلامی است. این پیمان فراتر از یک قرارداد سیاسی بیانگر رابطه عمیق و معنوی میان مسلمانان و رهبر آنها است. بیعت تعهدی است بر اساس ایمان و اعتقاد به رهبری الهی و نشان‌دهنده آمادگی مسلمانان برای فداکاری در راه اسلام است با بیعت مسلمانان تعهد می‌کنند که از



دستورات رهبر خود اطاعت کنند و در جهت تحقق اهداف اسلام کوشا باشند. خداوند در قرآن می‌فرماید: «در حقیقت، کسانی که با تو بیعت می‌کنند، جز این نیست که با خدا بیعت می‌کنند. دست خدا بالای دست‌های آنان است. پس هر که پیمان شکنی کند، تنها به زیان خود پیمان می‌شکند، و هر که بر آنچه با خدا عهد بسته وفادار بماند، به زودی خدا پاداشی بزرگ به او می‌بخشد». (فتح/۱۰). در جریان صلح تاریخی حدیبیه صحنه‌ای ماندگار از مشارکت فعال زنان در تاریخ اسلام رقم خورد. حضرت علی علیه السلام به عنوان نماینده پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم مسئولیت برگزاری مراسم بیعت با زنان را بر عهده گرفتند. شیوه‌ای بدیع و ساده برای این بیعت در نظر گرفته شد. زنان با قرار دادن دست بر روی لباسی که بر زمین پهن شده بود و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نیز با قرار دادن دست بر روی دستهای آنان پیمان وفاداری خود را به پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم اعلام میداشتند. این مراسم ساده اما پراز معنویت نماد وحدت و همبستگی زنان مسلمان با پیامبر و دین اسلام بود. (الإرشاد ترجمه رسولی محلاتی؛ ج ۱) اما بیعت دیگری که حضور زنان در آن بسیار گسترده و اهمیت بالایی برخوردار بود، در زمان فتح مکه بود که آیه‌ای مخصوص زنان در این رابطه نازل شد: «ای پیامبر هنگامی که زنان مؤمن نزد تو آمدند تا با تو بیعت کنند بر اینکه چیزی را شریک خدا نسازند و دزدی و زنا نکنند و اولادشان را نکشند و فرزند افتراپی را (بچه دیگران یا حرام زاده خود را) نیاورند که او را به شوهر خود ببندند به این ادعا که فرزند اوست که از میان شکم و پاهایشان بیرون آمده، و تو را در هیچ کار نیکی نافرمانی نکنند، پس با آنها بیعت کن و برایشان از خداوند آمرزش بخواه، که خداوند آمرزنده و مهربان است». (الممتحنه/۱۲). این آیه شریفه راجع به شرایط ایمان و بیعت زنان در فتح مکه است. پس از فتح مکه، زنان مکه همانند مردان برای تجدید میثاق با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به حضور ایشان شتافتند. در این بیعت تاریخی خداوند متعال آیاتی را نازل فرمود که شروط و تعهدات مهمی را برای زنان مسلمان مشخص می‌کرد. این شروط که شامل توحید حفظ حریمها، پرهیز از زنا و قتل نفس و حمایت از پیامبر میشد، نشانگر اهمیت جایگاه زنان در اسلام و نقش مؤثر آنها در جامعه اسلامی است. شیوه برگزاری این بیعت نیز بسیار جالب توجه است. با قرار دادن دست در ظرف آب زنان تعهد خود را به این پیمان



مقدس اعلام می‌کردند. این مراسم نمادین علاوه بر تأکید بر اهمیت بیعت، نشان دهنده وحدت و همبستگی زنان با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و جامعه اسلامی بود. (گزیده کافی ترجمه بهبودی؛ ص ۵۲۷)

۳. استقلال زنان در کسب و درآمد

کلمه «کسب» در قرآن، معمولاً تلاش معنوی و اعمال خوب و بد به کار رفته است، اما در این آیه ی ۳۲ سوره ی نساء به معنای تلاش مادی نیز تعبیر شده است. (المیزان، ۲، ۳۳۴). «و زنهار، آن چه را خداوند به علت آن، بعضی از شما را بر بعضی دیگر برتری داده آرزو نکنید. برای مردان از آن چه [به اختیار] به دست آورده اند و برای زنان نیز از آن چه به اختیار به دست آورده اند بهره ای است. و از فضل خدا بخواهید، که خدا به هر چیزی داناست» (نساء/۳۲). در آیه شریفه کلمات "نساء" و "رجال" به طور مستقل و با استفاده از "لام" اختصاص علامت مالکیت آورده شده اند. این ساختار نحوی به وضوح نشان می‌دهد که هر یک از زن و مرد مالک اموالی هستند که از طریق تلاش و کوشش خود یا به ارث و یا به هر طریق دیگری به دست می‌آورند. این بدین معناست که در نگاه اسلام، زن و مرد در حق مالکیت بر اموال برابر هستند و هر دو میتوانند به طور مستقل بر دارایی های خود تسلط داشته باشند. (الجامع الاحکام القرآن، ج ۵؛ الجدول فی اعراب القرآن، ۵، ۲۳). قرآن کریم در قسمتی دیگر علاوه بر تأکید بر حقوق مادی زنان، به ارزش کار و تلاش آنها نیز پرداخته است. یکی از نمونه های بارز این امر دستوری است که در قرآن آمده است، مبنی بر پرداخت اجرت به زنانی که به فرزندان شیر می دهند. این حکم نشان می دهد که حتی در محیط خانواده و در ارتباطی به این نزدیکی کار زنان دارای ارزش بوده و مستحق پاداش است. بدین ترتیب، قرآن کار شیر دادن را صرفاً یک وظیفه طبیعی تلقی نکرده بلکه آن را به عنوان شغلی می‌شناسد که مستحق مزد است، حتی اگر این زن به فرزند خود شیر دهد: «... و اگر برای شما بچه را شیر دادند اجرت آن ها را بپردازید، و در میان خود (راجع به حال طفل) به نیکی به مشورت و قبول گفتار یکدیگر بپردازید...». (طلاق/۶). این آیه علاوه بر جنبه های فردی، دارای اهمیت اجتماعی و

اقتصادی نیز هست. با تأکید بر حق دریافت دستمزد برای شیر دادن به نقش اقتصادی زنان در جامعه و اهمیت مشارکت آنان در تأمین معاش خانواده اشاره می‌شود. این حکم الهی زمینه ای را فراهم می‌کند تا زنان بتوانند با توانمندیهای خود به جامعه خدمت کنند و از نظر اقتصادی نیز مستقل باشند. (الفرقان فی تفسیر القرآن، ج ۲۸؛ التفسیر الوسیط للقرآن، ج ۱۴).

۴. تصرف زنان بر اموال خود

یکی دیگر از نشانه های بارز استقلال اقتصادی زنان مسلمان اختیار کامل آنها در تصمیم گیری درباره مهریه است. آنها آزادند تا هرگونه تصمیمی در خصوص بخشیدن یا نبخشیدن مهریه به همسر خود اتخاذ کنند. قرآن در این باره می‌فرماید: فرماید: «و مهر زنان را به عنوان هدیه ای از روی طیب خاطر به ایشان بدهید و اگر به میل خودشان چیزی از آن را به شما واگذاشتند آن را حلال و گوارا بخورید» (نساء / ۴)؛ «آتو» فعل امر به معنای «دادن» است و دو مخاطب را در برمی‌گیرد: یکی به شوهر و دیگری به اولیاء، که احتمال اول با معنای ظاهری آیه موافق است. (مجمع البیان، ج ۳) «صدقات» جمع صدقه، به معنای مهر و چیزی که شوهر در هنگام عقد به همسرش تقدیم می‌کند. اضافه شدن آن به ضمیر «هن» دلیل بر اختصاص و مالکیت انحصاری زن بر مهریه است. (ارشاد الذهان الی احکام الایمان، ج ۷) آیه «وَأَتُوا النِّسَاءَ صَدُقَاتِهِنَّ» خطاب به هر کدام از دو گروه پیش سخن گفته باشد، بر وجوب پرداخت مهریه به زنان دلالت دارد. بنابراین بر اولیاء یا شوهران واجب است، مهریه‌ی زنان را در اختیارشان قرار دهند. (الجامع الاحکام القرآن، ج ۵) نه تنها حق زن بر دریافت مهریه به رسمیت شناخته میشود بلکه به استقلال مالی او نیز تأکید شده است. به عبارت دیگر پرداخت مهریه به زن به معنای اعطای اختیار کامل به وی برای استفاده و تصرف در آن است. (طاهری نیا، ۱۳۸۹) از دیگر آیاتی که بر استقلال و مالکیت زن بر اموالش دلالت دارد این آیه است: «و اگر پیش از آنکه با آنان نزدیکی کنید طلاقشان گفتید، در حالی که برای آنان مهری معین کرده‌اید، پس نصف آنچه را تعیین نموده‌اید [به آنان بدهید]، مگر این که خود آنها ببخشند یا کسی که پیوند نکاح به دست اوست ببخشد و گذشت کردن شما به تقوا

نزدیکتر است و در میان یک دیگر بزرگواری را فراموش نکنید، زیرا خداوند به آنچه انجام می‌دهید بیناست». (بقره/۲۳۷) «يَعْفُونَ» از ریشه «عفو» است. این کلمه معانی زیادی دارد، مانند گذشتن از گناه و ترک عقاب، حلال‌ترین مال، گذشت، بخشش و معروف ذکر شده است که در این جا به معنای گذشتن از مال است. (لسان العرب، ۱، ۳۴) جمله «وَأَنْ تَعْفُوا أَقْرَبُ لِلتَّقْوَى» عفو و گذشت شما به پرهیزگاری نزدیک‌تر است، بیانگر وظیفه مردان در برابر زنان مطلقه خود است، که اگر تمام مهر را پرداخته‌اند، چیزی پس نگیرند و اگر نپرداخته‌اند همه آن را بپردازند و از نیمی که حق آنهاست صرف نظر کنند، زیرا مسلم است دختری یا زنی که بعد از عقد یا پیش از عروسی از شوهر خود جدا می‌شود، ضربه سختی می‌خورد و از نظر اجتماعی و روانی مواجه با مشکلاتی است و بی‌شک گذشت شوهر و پرداخت تمام مهر، تا حدی مرهم بر این جراحات می‌گذارد. (تفسیر نمونه، ج ۲) پس مهریه حق زن است. ولی زن می‌تواند از این حق خود صرف نظر کند و آن را به مرد ببخشد و اگر صغیر، یا مجنون و یا سفیه است، براساس این قسمت از آیه که می‌فرماید: «الَّذِي يَبْدُوهُ عُقْدَةُ النِّكَاحِ» ولی او می‌تواند این را به مرد ببخشد. (مجمع البیان، ج ۳) این حق تصرف زن بر اموالش، نشان می‌دهد که زن در اسلام دارای استقلال اقتصادی و حق مالکیت است. یکی از مهمترین دستاوردهای اسلام در حوزه حقوق زنان اعطای استقلال اقتصادی به آنها و در عین حال معافیت آنها از مسئولیت تامین هزینه‌های زندگی است. این رویکرد، به زنان اجازه می‌دهد تا به رشد شخصی و اجتماعی خود بپردازند و از استرس‌های ناشی از تامین مخارج خانواده‌هایایی یابند. به عبارت دیگر اسلام با دادن حق مالکیت به زنان نه تنها به آنها آزادی اقتصادی بخشیده، بلکه باری را که در جوامع سنتی بر دوش زنان بوده است، برداشته است. (مطهری، ۱۳۷۷، ج ۲).

نتیجه‌گیری

در بند نخست از ماده ۵ کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض از زنان آمده است: «دولت‌های عضو اقدامات مقتضی زیر را به عمل خواهند آورد: تغییر الگوهای رفتاری، اجتماعی و فرهنگی مردان و زنان به منظور دستیابی به برانداختن تعصبات، عادات و دیگر روش‌های عملی که بر

طرز تفکر پست نگری یا برتر بینی یک جنس نسبت به جنس دیگر یا نقش کلیشه ای زنان و مردان مبتنی است.» با توجه به این ماده و براساس فقه اسلامی، دو نوع کرامت در فقه اسلامی معرفی می شود،

۱. کرامت ذاتی که همه انسان ها در آن مشترک اند.

۲. کرامت اکتسابی که با انجام فضایل و پرهیز از زشتی ها به دست می آید.

مؤلفه های حفظ کرامت زنان در اسلام دو نوع است: ۱. مؤلفه های حفظ کرامت زن توسط خود او که با حفظ عفت و پاک دامنی و ملزم بودن به حجاب و عدم نگاه به نامحرم و سخن گفتن شایسته و... و به طور کلی، با رفتار درست در اجتماع محقق می شود. همچنین نیکوهمسرداری و توجه به حقوق او و ایفای نقش مادری به نحوی شایسته و توجه به تربیت فرزندان و ایفای نقش فرزند (دختر بودن) به شکلی مؤثر و احسان به والدین از دیگر موارد حفظ کرامت زن توسط خود زنان اوست. ۲. مؤلفه های حفظ کرامت زن توسط دیگران که شامل این موارد است:

۱. حفظ کرامت زن توسط همسر با حفظ آراستگی و محبت به زن و تأمین نیازهای اقتصادی او محقق می شود

۲. حفظ کرامت زن توسط مردان جامعه که با عدم نگاه آلوده مردان محقق می شود.

۳. حفظ کرامت زن توسط فرزندان که با رعایت ادب و احترام و احسان و... محقق می شود.

۴. حفظ کرامت دختران که با ایفای نقش صحیح والدین محقق می شود.

۵. حفظ کرامت زنان بی سرپرست که با توجه کردن افراد جامعه به آنها، محقق می شود.

حضور زنان در عرصه عمومی همواره با چالشهایی همراه بوده است. از یک سو حضور آزادانه و برابر زنان در جامعه یکی از شاخص های توسعه یافتگی و پیشرفت محسوب می شود و از سوی دیگر نگرانیهایی در خصوص امنیت و سلامت روانی زنان مطرح می شود. در گذشته برخی از جوامع با اعمال محدودیتهای مختلف بر زنان تلاش می کردند تا از آنها در برابر آسیبهای احتمالی محافظت کنند. اما امروزه با توجه به پیچیدگیهای جامعه ی مدرن و تغییر

الگوهای رفتاری این رویکرد سنتی با چالش‌های جدی مواجه شده است. تحقیقات نشان می‌دهند که خشونت علیه زنان صرف نظر از سطح تحصیلات موقعیت اجتماعی و پوشش آنها در بسیاری از جوامع رخ می‌دهد، بنابراین ریشه‌های این مشکل را نمیتوان صرفاً در حضور زنان در فضاهای عمومی جستجو کرد بلکه عوامل، فرهنگی اجتماعی و اقتصادی متعددی در شکل‌گیری این پدیده نقش دارند. برای ایجاد محیطی امن و برابر برای همه، به جای تمرکز بر محدود کردن آزادی‌های زنان باید بر تقویت آگاهی عمومی در خصوص حقوق زنان برابر جنسیتی و احترام به تفاوتها تاکید کنیم. همچنین سرمایه‌گذاری در آموزش و پرورش ایجاد فرصتهای برابر برای زنان و مردان و تقویت حضور زنان در تصمیم‌گیریهای مهم اجتماعی، میتواند نقش موثری در کاهش خشونت علیه زنان داشته باشد. از سوی دیگر باید به نقش رسانه‌ها و فضای مجازی در شکل‌دهی نگرشها و رفتارهای اجتماعی توجه داشت. تولید محتوای باکیفیت و آموزشی که به ترویج ارزشهای برابر و احترام به حقوق زنان کمک کند، می‌تواند در تغییر نگرشهای جامعه نقش مهمی ایفا کند. در نهایت ایجاد قوانین و مقررات مناسب و اجرای موثر آنها میتواند ضامن امنیت و حقوق زنان در جامعه باشد. این قوانین باید با توجه به شرایط خاص هر جامعه و با مشارکت همه ذی‌نفعان تدوین شوند. در نتیجه برای ایجاد جامعهای امن و برابر برای همه نیازمند یک رویکرد جامع و چندجانبه هستیم که هم به ابعاد فردی و اجتماعی مسئله بپردازد و هم به نقش نهادهای مختلف در این زمینه توجه داشته باشد. با اتخاذ این رویکرد میتوانیم به آینده‌های امیدوارباشیم که در آن، زنان بتوانند بدون هیچ محدودیتی در تمام عرصه‌های زندگی حضور فعال داشته باشند.



منابع و مآخذ

۳. قرآن کریم (ترجمه فولادوند).
۴. ابن ابی جمهور، محمد بن زین الدین (۱۴۰۵) عوالی اللئالی العزیزیه فی الاحادیث الدینیّه، به تحقیق و تصحیح: مجتبی عراقی، جلد ۱، قم: دار السید الشهداء للنشر.
۵. ابن اشعث، محمد بن محمد (بی تا) الجعفریات (الاشعثیات)، قم: مکتبه النینوی الحدیثه.
۶. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۷۶) الامالی للصدوق، تهران: کتابچی.
۷. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۰۳) معانی الاخبار، ترجمه: علی اکبر غفاری، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۸. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۴۰۴ / ۱۳۶۳) تحف العقول، قم: جامعه مدرسین.
۹. ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی (۱۳۷۹) مناقب آل ابی طالب (لابن شهر آشوب)، قم: علامه.
۱۰. ابن فهد حلی، احمد بن محمد (۱۴۰۷) عدة الداعی و نجاح الساعی، بی جا: دارالکتب الاسلامی.
۱۱. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۰۴) لسان العرب، جلال الدین میردامادی، بیروت: دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع.
۱۲. امینی، ابراهیم (۱۳۸۷ ش) آیین همسرداری، تهران: اسلامی.
۱۳. بستان، حسین (۱۳۸۸) اسلام و جامعه شناسی خانواده، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۱۴. بهرامی، غلامرضا (۱۳۸۸) حریم خصوصی، قم: انتظار سبز.
۱۵. پناهی، احمد (۱۳۹۰) همسرداری، قم: نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاهها.
۱۶. جعفری، محمدتقی (۱۳۹۰) حقوق جهانی بشر، تحقیق و تطبیق در دو نظام اسلام و

- غرب، تهران: مؤسسه نشر آثار علامه جعفری.
۱۷. رحمتی، حسین علی (۱۳۸۶)؛ «کرامت زن در اسلام و غرب (مورد پژوهشی تطبیقی امام خمینی و فمینیسم)»، شماره ۳۶.
۱۸. رضایی اصفهانی، محمد علی (۱۳۸۷) تفسیر قرآن مهر، جلد ۱۴، قم: پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآنی.
۱۹. رفسنجانی، اکبر و دیگران (۱۳۸۶) تفسیر راهنما؛ قم: بوستان کتاب.
۲۰. شهید ثانی، زیدالدین محمد بن علی (بی‌تا) مسکن الفؤاد، قم: بصیرتی.
۲۱. عروسی الحویزی، عبد علی بن جمعة (۱۴۱۵) تفسیر نور الثقلین، قم: اسماعیلیان.
۲۲. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹) العین، قم: هجرت.
۲۳. فقیهی، علی نقی (۱۳۸۷) تربیت جنسی؛ مبانی، اصول و روشها از منظر قرآن و حدیث، قم: مؤسسه علمی فرهنگی دارالحدیث، سازمان چاپ و نشر.
۲۴. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷) الکافی، محمد آخوندی و علی اکبر غفاری، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲۵. کوثری نیا، نفیسه (۱۳۹۲) ارتباط سبک زندگی اسلامی و حیات طیبه در قرآن، شماره ۴۸.
۲۶. کوفی اهوازی، حسین بن سعید (۱۴۰۲)؛ الزهد، قم: المطبعة العلمیه.
۲۷. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (۱۴۰۳) بحار الانوار، به تحقیق و تصحیح جمعی از محققان، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲۸. مصطفوی، حسن (۱۳۶۸) التحقیق فی مفردات الفاظ قرآن؛ جلد ۸۲، تهران: مرکز الكتاب للترجمه والنشر.
۲۹. مطهری، مرتضی (۱۳۷۷) مجموعه آثار، جلد ۱۹، تهران-قم: صدرا.
۳۰. مظاهری، حسین (۱۳۸۷) اخلاق در اداره، قم: بوستان کتاب.
۳۱. مظاهری، حسین (بی‌تا)؛ خانواده در اسلام، قم: شفق.
۳۲. نوری همدانی، حسین (۱۳۸۳)؛ جایگاه بانوان در اسلام، بی‌جا: مهدی موعود.

۳۳. شریف‌الرضی، محمدبن حسین (۱۳۹۱) نهج البلاغه، موسسه تحقیقاتی امیرالمؤمنین علیه السلام قم (امیرالمؤمنین علیه السلام) مترجم: محمد دشتی.